

او مثل لات‌ها و لمپن‌های دهه‌های پیش از انقلاب نبود؛ به زعم بسیاری از دوستانش نه چشم هرز داشت و نه زوربازویش را به رخ کسی می‌کشید



زنده‌یاد غلامرضا تختی، در سکوی مقام نخست، در یکی از مسابقات خارجی



شاید بر مبنای همین علت‌هاست که می‌شود گفت تختی به غیر از بخشی از بدخواهانی که روی تشک کشتی با او مشکل داشتند و بیرون هم منش او را نمی‌پسندیدند چون خودش را وابسته به دربار نمی‌کرد دشمن نداشت و اصولاً برای خودش دشمن تراشی نمی‌کرد

نهایت باید حرف‌های پسر تختی را ببینیم که گفته: درباره هیچ کدام از احتمالات مرگ تختی یعنی خودکشی یا قتل به نتیجه قطعی نرسیده‌ایم، اما آنچه مهم بود زندگی تختی بود نه مرگش.

عده‌ای هم معتقدند اگر او خودکشی کرده باشد مسئولیتش به عهده حکومت شاه است که با فشارها و تنگنمایی که برای جهان پهلوان ایجاد کردند او به این فکر سوق پیدا کرد شاید در

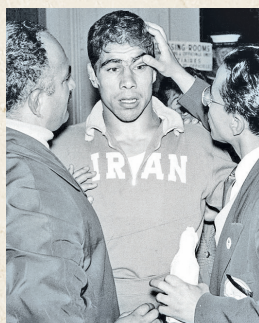
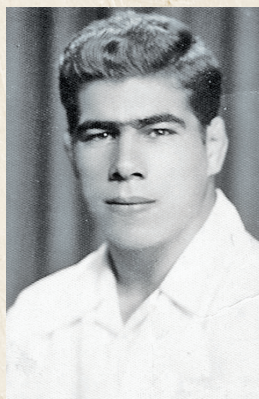


منبع تصاویر: پژوهشکده تاریخ معاصر



جهان پهلوان تختی در حال دریافت قرآن کریم از آیت الله طالقانی در مسجد هدایت تهران

جهان پهلوان تختی در جوانی



زنده‌یاد غلامرضا تختی، پس از مصدمیت در یکی از مسابقات خارجی

دیدار کرد و این دیدار تقریباً مثنوی او را در امور سیاسی نشان می‌دهد اما درباره قتل یا خودکشی تختی باید گفت:

براساس اخبار منتشر شده در روزنامه‌های اطلاعات و کیهان در ۱۸ دی ماه ۱۳۴۶ غلامرضا تختی به خاطر وجود اختلافات خانوادگی با همسرش شهلا توکلی خودکشی کرده و برای انگیزه‌های این خودکشی، مواردی چون ناکامی‌های تختی در مسابقات پایان عمر ورزشی اش عنوان شد. با این حال همان زمان هم عده‌ای مرگ او را مشکوک می‌دانستند و بر همین اساس، نظریه دیگری که ساواک او را به دلیل محبوبیت زیاد و عدم وفاداری به نظام وقت ایران به قتل رسانده است، در بین مردم پخش شد اما هیچ وقت نه خودکشی و نه قتلش به اثبات نرسید و آن چیزی همان روزها و حالا برای مردم مهم است شخصیت تختی است مردی که بارها از سوی دربار تحت فشار قرار گرفت و وقتی سال ۱۳۴۵ دست خالی از بازی‌های جهانی برگشت همچنان محبوب بود تا جایی که جلال آل احمد بعد از مرگ او نوشت: از آن همه جماعت هیچ کس، حتی برای یک لحظه، به احتمال خودکشی فکر نمی‌کرد.

زنده‌یاد غلامرضا تختی، در حال انجام یک مسابقه کشتی

جهان پهلوان غلامرضا تختی در کنار فرزند خردسالش «بابک»



مثل لات‌ها و لمپن‌های دهه‌های پیش از انقلاب نبود؛ به زعم بسیاری از دوستانش نه چشم هرز داشت و نه زوربازویش را به رخ کسی می‌کشید، شاید بر مبنای همین علت‌هاست که می‌شود گفت تختی به غیر از بخشی از بدخواهانی که روی تشک کشتی با او مشکل داشتند و بیرون هم منش او را نمی‌پسندیدند چون خودش را وابسته به دربار نمی‌کرد دشمن نداشت و اصولاً برای خودش دشمن تراشی نمی‌کرد.

یک مرگ مرموز تاریخ معاصر

با اینکه سال‌های بسیاری از مرگ تختی می‌گذرد اما قصه او همچنان برای تمام نسل‌های ایران مهم و جذاب است، داستان مردی که از جنوبی‌ترین نقطه پایتخت توانست نه تنها قهرمان بلکه منش پهلوانی را به خوبی احیا کند، مرگ تختی یک حادثه تاریخی صرف نبود، شاید قطعه گم شده پازل دوگانه خودکشی و قتل، قرائت خودخوانده افراد مختلف از سیر زندگی پهلوان باشد که مرگ او را در دالان تاریخ و مبهم تاریخ معاصر فرو می‌برد.

تختی آدم معمولی نبود!

پهلوان غلامرضا تختی یک انسان عادی نبود او تقریباً همه دارایی اش را صرف مردم محروم کرد و همین اخلاق در کنار مدال‌های خوش رنگ و رفتارهایی که یادآور پوریای ولی بود تختی را تبدیل به آدمی متمایز و متفاوت از سایرین کرد، او

